

دوشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۵ - ۱۸ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ - ۳۱ اوت ۲۰۲۶ - شماره ۲۱۲۳ - پیاپی ۴۴۴۱

سمنت

معدن

تجارت

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه www.smtnews.ir/about.html

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «**سمنت**»

مدیرمسئول: عاطفه خسروی

سازمان آگهی‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸ - ۰۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶

ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com

تلفن: ۸۲۱۹۰ (داخلی-۱۰۸)

توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸

تهران، خیابان قائم مقام فر اهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶ - کدپستی ۱۵۸۶۷۲۳۸۱۱

روابط عمومی: smtnews.ir:pr

چاپخانه: صمیم

www.smtnews.ir
[telegram.me/smtnews](https://t.me/smtnews)
tozi.smtnews@gmail.com
<https://ble.ir/smtnews>

info@smtnews.ir
[instagram.com/smtnewspaper](https://www.instagram.com/smtnewspaper)
<http://eitaa.com/smtnews>

عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی

عضو انجمن مدیران رسانه

عضو تعاونی مطبوعات

در شرایطی که اقتصاد بانک محور ایران با مجموعه‌ای از ناترازی‌ها روبه‌روست؛ نظام بانکداری نیز با مشکلاتی چون اضافه برداشت از بانک مر کزی، نکول تسهیلات، انجماد دارایی‌ها و به روز نبودن استانداردهای بانکی همسو با مقررات بانکی بین‌المللی رنج می‌برد؛ علی‌اشرف افخمی، مدیرعامل اسبق بانک صنعت و معدن در گفت‌وگو با ایرنا به ریشه یابی این مشکلات پرداخته و معتقد است رفع انحرافات موجود در نظام بانکداری یک شبهه ایجاد نشده که به سرعت نیز رفع شود بلکه باید مجموعه‌ای از اصلاحات اقتصادی در حوزه پولی، بانکی و بودجه‌ای به طور یکجا دیده شود تا به نتیجه مطلوب رسید.

وی که سال‌ها مدیریت یک بانک تخصصی را بر عهده داشته است، با تاکید بر اینکه فاصله‌گرفتن بانک‌های تخصصی از ماموریت اصلی خود، ریشه در آشفتگی‌های ساختاری اقتصاد ایران دارد، گفت: در بسیاری از کشورها، بانک‌های تجاری، تخصصی و توسعه‌ای ماموریت‌های مشخصی دارند، اما در ایران این مرزبندی به تدریج کمرنگ شده است.

● **بسیاری بر این باورند که وضعیت اقتصادی و بانکی کشور به سمتی رفته که بانک‌ها از حوزه‌های تخصصی خود فاصله گرفته‌اند و وارد فعالیت‌های مختلف شده‌اند. دلیل اینکه بانک‌های تخصصی دیگر روی یک موضوع مشخص متمرکز نیستند چیست؟**

انواع بانک‌ها در دنیا تعریف و مأموریت مشخصی دارند و طبقه بندی آنها نیز کاملاً روشن است؛ ولی در ایران این امر در نظام بانکی دستخوش تغییرات و تداخل‌های نسبتاً زیادی شده است، زیرا به دلیل تحریم‌های اقتصادی پس از انقلاب اسلامی، بخش هایی از نظام بانکی از دسترسی به نوآوری‌های بانکی و مقررات حرفه‌ای روزآمد مانند مقررات بازل ۳ و استانداردهای کفایت سرمایه، استقرار سیستم‌های مدیریت ریسک، مبارزه با پولشویی، تطبیق و اتصال به نظامهای بین‌المللی ترانکش (سوئیفت) باز مانده است. این موضوع با اعمال فشارهای ناشی از تحریم‌های مویرگی تشدید و ریال ایران نیز از فهرست ارزهای جهان روا خارج شد.

اشکال اصلی را نباید فقط متوجه نظام بانکی دانست؛ ما در ساختار کلی اقتصادمان عواملی مانند تورم لجام گسیخته، افزایش روزافزون نقدینگی، بی‌اعتنایی به سرمایه‌گذاری مولد، پایین بودن صادرات و به عبارتی فقدان سهم در اقتصاد جهانی، عدم جذب سرمایه‌گذاری خارجی و... مشکل داریم. وقتی تورم طی سالیان متمادی به ۴۰ تا ۵۰ درصد و بیشتر می‌رسد، بانک‌ها چه راهکاری پیش رو دارند؟ آنها منابع خاص دیگری ندارند که سود سپرده مشتریان را با درصدهای بالا بدهند. عمده منابع آنها سپرده‌های مردم است. برای اینکه سپرده‌ها را حفظ کنند، مجبورند سود بیشتری بدهند و در نتیجه یک رقابت منفی و مخرب شکل می‌گیرد.

در مقاطعی وضعیت به جایی رسید که بانک‌ها سر نرخ سود سپرده با یکدیگر رقابت می‌کردند و نرخ‌ها از ۳۰ درصد هم تجاوز کرد. در کجای دنیا چنین رفتار غلطی مرسوم است؟ شما اگر در آلمان، سوئیس یا فرانسه پولتان را در بانک بگذارید، حتی ممکن است تعداد مشتربان آنها به تعداد کسب و کارهای مرتبط محدود باشد، اما همان تعداد مشتری، نیز شرکت‌های تولیدی، خدماتی و یا صنایع و پروژه‌های بزرگ هستند. آنها برای تجهیز منابع سراغ بازار سرمایه می‌روند؛ از ابزارهای متنوعی استفاده می‌کنند مانند انتشار اوراق مشارکت یا اوراق اسلامی مثل صکوک، اجاره. یا از بانک‌های تجاری داخلی و بین‌المللی به‌صورت سندیکایی منابع مالی مورد نیازشان را تهیه می‌کنند.

منابع این بانک‌ها نیز سازو کار مشخص خود را دارد. قرار نیست بانک تخصصی پول زیادی از مردم به‌صورت سپرده جذب کند و بعد مجبور شود برای آن سود بالا بپردازد زیرا درآمد چنین بانکی محدودیت‌های خاصی خود را دارد.

● **چرا بانک‌ها به جای بانکداری وارد شعبه‌داری و شرکت‌داری شده‌اند؟**

حتی قبل از انقلاب در ایران هم بانک‌های تجاری به شکل امروزی فعالیت نمی‌کردند؛ بانک‌های تجاری برای خدماتشان کارمزد دریافت می‌کردند و البته از مردم سپرده هم می‌گرفتند ولی سود پرداختی آنها چندان بالا نبود. در مقابل،

عکس روز



لیگ برتر تیراندازی با کمان

منبع: مهر

ارتباط با دنیا حلقه مفقوده اقتصاد ایران



می‌افزود.

● **آیا اقتصاد ایران واقعاً به این تعداد بانک نیاز دارد یا اندازه اقتصاد ما در آمارها بزرگ نشان داده می‌شود؟**

در واقع باید اعتراف کنیم که اقتصاد ما اقتصاد بزرگی نیست. در یک مقطع گفته می‌شد تولید ناخالص داخلی اقتصاد ایران حدود ۴۱۲ میلیارد دلار است و اکنون نیز ارقامی مانند ۳۰۰ میلیارد دلار مطرح می‌شود. من به این ارقام ادعایی نیز با توجه نرخ واقعی دلار، باور ندارم و ممکن است اندازه واقعی اقتصاد مثلاً حدود ۲۰۰ میلیارد دلار باشد که نیاز به راستی آزمایی دارد.

کشوری مانند ایران با این وسعت، جمعیت، معادن، نفت، پتروشیمی، فولاد و ظرفیت‌های متعدد، مجموع صادراتش حدود ۱۰۰ میلیارد دلار است. سنگاپور با وسعت بسیار کمتر (یک سوم جزیره قشم) و جمعیتی حدود ۶ میلیون نفر، صادراتی چند برابر ایران (قریب ۵۰۰ میلیارد دلار) دارد. این نشان می‌دهد مسئله فقط اندازه جغرافیایی یا جمعیت نیست؛ مسئله اصلی نحوه حکمرانی، استراتژی، مدیریت اقتصاد و ایجاد ارزش افزوده است. با خودمان صادق باشیم؛ ما خیلی ثروت داریم (پنجمین رتبه در منابع طبیعی)، اما ثروت آفرین نیستیم. بد نیست نگاهی به رتبه و جایگاه بانک‌های ایران در میان بانک‌های آسیا در سال ۲۰۲۵ بیندازیم. طبق آخرین اطلاعات منتشره، هم نایع یک از بانک‌های ایران را در فهرست ۲۰ بانک اول آسیایمی‌بینیم. میزان دارایی‌های این ۲۰ بانک بالغ بر ۵۲ هزار میلیارد دلار می‌باشد که ۴ بانک اول تا چهارم چینی هستند و معادل ۲۶ هزار میلیارد دلار دارایی دارند، ولی جمع ۱۳ بانک چینی در این فهرست با ۴۱ هزار میلیارد دلار، ۴ بانک ژاپن با هشت هزار میلیارد دلار و ۳ بانک بقیامانده سه هزار میلیارد دلار دارایی دارند.

باید یادآور شد جمع دارایی‌های همه بانک‌های ایران بالغ بر ۴۱۱ میلیارد دلار است در حالی که از بانک رتبه ۲۰ این فهرست (بانک توسعه سنگاپور با دارایی ۷۰۰ میلیارد دلار)، کمتر است.

● **قطع مراودات بانکی و تحریم‌های اقتصادی را تا چه میزان در ایجاد شرایط امروز اقتصادی موثر می‌دانید؟**

البته حلقه گمشده اقتصاد ایران «ارتباط با دنیا» است زیرا بخش بزرگی از اقتصاد ما به سیاست گره خورده است. اگر به دنیا نگاه کنیم، کشورهایی موفق شدند که تلاشی کردند بازار خودشان را بزرگ کنند. مالزی را در نظر بگیرید. بازار داخلی آن محدود است، اما وقتی به دنیا نگاه کرد، توانست برای میلیونها نفر خدمات و کالا تولید کند و صادراتش چند برابر ایران بشود. این همان بحث توجه به بزرگ کردن اندازه اقتصاد است.

چین نیز با جهان تجارت می‌کند. ویتنام زمانی صادراتی کمتر از ۱۰ میلیارد دلار داشت، اما امروز صادراتش به ۴۰۵ میلیارد دلار رسیده و جای سومش را به دشمن سابقش، امریکا صادر می‌کند. ویتنام پس از جنگ، به جای اینکه خود را در انزوا قرار دهد، به سمت تعامل اقتصادی با جهان رفت. آنها فهمیدند که آموزش و سرمایه‌گذاری، هزینه نیست، بلکه سرمایه‌گذاری برای آینده است.

در حوزه اقتصاد معقدهم ناگزیریم با دنیا حرف بزنیم. اگر می‌خواهیم اقتصادمان بزرگ شود، نمی‌توانیم فقط به بازار داخلی متکی باشیم. کشورهایی مانند چین، مالزی، ویتنام، تایوان، کره جنوبی و سنگاپور بازار خود را در جهان تعریف کرده‌اند. آنها با دنیا ارتباط برقرار کرده‌اند و از این ارتباط برای توسعه و رفاه استفاده کرده‌اند.



چشم‌انداز افزایش ظرفیت تولید سالانه خود به بیش از یک میلیون و ۶۵۰ هزار حلقه تایر را دنبال می‌کند؛ چراکه معتقد است تکیه بر دانش بومی، نه یک انتخاب که تنها راه عبور از پیچ‌های تحریم و رسیدن به خودکفایی پایدار است.

شکاف نسلی با هوش مصنوعی

با وجود تمام نگرانی‌ها درباره هوش مصنوعی،شواهدی از نزدیکتر شدن نسل ها به یکدیگر در سایه این فناوری وجود دارد.امروز استفاده مشترک از هوش مصنوعی در برنامه‌ریزی سفر،مدیریت هزینه‌های خانه و حتی سرگرمی اثر گذار است.

کارشناسان معتقدند نظام آموزشی باید به جای مقاومت در برابر هوش مصنوعی یا برخورد انضباطی صرف با استفاده دانش آموزان به بازتعریف مهارت‌های سنجشش پذیر بپردازد. کودکان و نوجوانانی که از همان آغاز آموزش هوش مصنوعی را همراه طبیعی خود می‌دانند، در کنار والدین و پدربزرگ و مادربزرگ‌هایی زندگی می‌کنند که هنوز در حال درک مفهوم و کارکرد این فناوری هستند.این فاصله در نوع مواجهه نه تنها بر روابط خانوادگی اثر گذاشته بلکه پرسش‌های تازه‌ای درباره آموزش اعتماد هویت و آینده مهارت‌های انسانی مطرح کرده است. به گزارش ایسنا، در حال حاضر نسل‌های مختلف جامعه با پیشینه‌های متفاوتی وارد دنیاى هوش مصنوعی می‌شوند و همین موضوع نوع استفاده و میزان اعتماد آنها را شکل می‌دهد.

نسل نوجوان و جوان که متولدین دهه‌های اخیر را شامل می‌شوند، هوش مصنوعی را ابزاری طبیعی برای انجام تکالیف جستجوی اطلاعات تولید محتوای خلاقانه و حتی گفت و گوهای روزمره می‌دانند و مرز مشخصی میان استفاده از ابزار و تفکر مستقل برایشان گاه کمرنگ می‌شود. نسل میانسال یا والدین شاغل بیشتر به دنبال کاربردهای عملی هستند. مثل مدیریت زمان، ترجمه، خلاصه‌سازی اسناد اداری یا کمک به فرزندان در تکالیف.نگرانی اصلی آنها حفظ کنترل بر فرایند تربیت و یادگیری فرزندان است.

نسل مسن‌تر و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، معمولاً با یا احتیاط و بی‌اعتمادی به هوش مصنوعی نگاه می‌کنند یا در صورت پذیرش به دلیل آشنایی کمتر با محدودیت‌های فنی این ابزارها ممکن است به صورت ناآگاهانه به خروجی آن اعتماد

● **دغدغه‌های اصلی خانواده‌ها**

بررسی گفتمان عمومی و مصاحبه با خانواده‌ها نشان می‌دهد که نگرانی‌ها حول چند محور اصلی متمرکز است.مثلاً بسیاری از والدین مشاهده می‌کنند که فرزندان‌شان به جای فکر کردن روی یک مسأله مستقیم به سراغ چتبات می‌رود یا دانش‌آموزی که برای نوشتن انشا یا حل مسأله ریاضی، پاسخ را بی‌واسطه از ابزار هوشمند دریافت می‌کند، بدون آنکه روند استدلال یا حل مسأله را واقعاً درک کرده باشد.نتیجه این روند کسب نمره قابل قبول در تکلیف اما ضعف واقعی در مهارت حل مسأله است.ضعفی که در امتحان حضوری وموقعیت‌های واقعی زندگی آشکار می‌شود.

یکی دیگر از دغدغه‌ها،کاهش تعامل انسانی در درون خانواده است. مثلاً نوجوانی به جای آنکه درباره انتخاب رشته تحصیلی یا مسایل شخصی و احساسی از مشورت والدین بهره ببرد، ترجیح می‌دهد با یک دستیار هوش مصنوعی گفت و گو کند،زیرا او را قضاوت نمی‌کند و متأسفانه در بلند مدت این الگو می‌تواند فاصله عاطفی میان فرزند و والدین را افزایش دهد زیرا فرزند به مشورت اول با ماشین عادت می‌کند.

● **فقدان آگاهی والدین**

در بسیاری موارد، والدین نمی‌دانند فرزندان‌شان دقیقاً از چه اپلیکیشن یا چتباتی استفاده می‌کند، مثلاً پدر و مادرى ممکن است تصور کنند فرزندان‌شان مشغول تایپ تکالیف درسی است در حالی که او در واقع با یک همراه مجازی هوش مصنوعی گفت وگوهای شخصی و طولانی دارد.گاه حتی گفت وگوهایی با ماهیت احساسی یا دوستانه که والدین از محتوای آن کاملاً بی‌اطلاعند.

یکی دیگر از نگرانی‌ها و دغدغه‌ها،نگرانی از آینده شغلی است.پدری با شغل حسابداری با ترجمه را تصور کنید که می‌بندد بخشی از کار روزانه اش را یک ابزار هوشمند در چند ثانیه انجام می‌دهد.تجربه مستقیم و ملموس نگرانی را از حالت انتزاعی به دغدغه واقعی معیشت خانواده تبدیل می‌کند و اغلب در گفت و گوهای خانوادگی به شکل نگرانی درباره آینده تحصیلی و شغلی فرزندان بازتاب می‌یابد.برش‌هایی مانند اینکه فرزندم باید چه رشته‌ای بخواند که هوش مصنوعی جایگزینش نشود از جمله این برش‌هاست.

● **چالش در محیط آموزش و مدرسه**

یکی از میدان‌های اصلی بروز این شکاف نسلی،نظام آموزشی است. معلم و مدیران مدرسه که عمدتاً از نسل میانسال یا مسن‌تر هستند با پدیده تقلب هوشمند و استفاده نامشخص دانش آموزان از ابزارهای تولید متن روبه رو شدند،در حالی که ارزیابی‌های سنتی هنوز متناسب با این واقعیت جدید طراحی نشده‌اند؛از سوی دیگر دانش آموزان اغلب هوش مصنوعی را بخشی طبیعی از فرایند یادگیری می‌دانند نه تخلف و همین تفاوت برداشت به تنش میان نسل معلم و دانش آموز دامن زده است. در همین راستا علی اصغر زارعی – استاد دانشگاه و کارشناس

ارشد فناوری اطلاعات در گفت‌وگو با ایسناد، پاسخ به این پرسش که آیا هوش مصنوعی می‌تواند نسل‌ها را به هم نزدیک کند؟می‌گوید:در

کنار تمام نگرانی‌ها درباره هوش مصنوعی،شواهدی نیز از اثر مثبت این فناوری در نزدیک‌تر کردن نسل‌های به یکدیگر وجود دارد.در بسیاری از خانواده‌ها فرزندان نقش آموزش دهننده را برای والدین و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های خود ایفا می‌کنند و همین فرایند فرصتی برای گفت وگوى مشترک، افزایش صبر و درک متقابل میان نسل‌ها را فراهم کرده است. به گفته وی،استفاده مشترک از هوش مصنوعی برای برنامه‌ریزی سفر،مدیریت هزینه‌های خانه و سرگرمی می‌تواند به تجربه‌ای پیوند دهنده بدل شود، به شرط آنکه با گفت وگوى آگاهانه و بدون قضاوت همراه باشد. زارعی با یادآوری نقش سه گانه خانواده، نظام آموزشی و سیاست گذاری در این زمینه معتقد است:مدیریت موثر

این تحول مستلزم همسویی سه رکن اصلی است، نخست خانواده باید از حالت انفعالی یا منوعیت مطلق خارج شود و به جای آن،گفت و گوى مستمر و آگاهانه درباره نحوه استفاده از این ابزارها در جایگزین کند، رویکردی که از آن به عنوان همراهی واقعیت‌محور یاد می‌شود. شکاف نسلی در مواجهه با هوش مصنوعی واقعیتی انکارناپذیر در جامعه است اما مدیریت آگاهانه این تحول از طریق گفت و گوى خانوادگی،بازنگری در نظام آموزشی و سیاست گذاری مسئولانه در جهت تقویت پیوندهای بین نسلی و ارتقا سواد فناورانه عمومی جامعه ضروری است. این استادا دانشگاه افزود: نکته دوم این است که نظام آموزشی باید به جای مقاومت در برابر هوش مصنوعی یا برخورد انضباطی صرف با استفاده دانش آموزان به باز تعریف مهارت‌های سنجش پذیر بپردازد.مهارت‌هایی نظیر توان تحلیل،برسشگری و ارزیابی نقادانه خروجی ماشین که در آینده مهم‌تر از حفظ اطلاعات خواهند بود.

● **سخن پایانی**

باید پذیرفت که شکاف نسلی در مواجهه با هوش مصنوعی واقعیتی انکارناپذیر در جامعه امروز است اما این شکاف لزوماً به معنای تعارض دائمی نیست.مدیریت آگاهانه این تحول از طریق گفت و گوى خانوادگی، بازنگری در نظام آموزشی و سیاست گذاری مسئولانه در سطح کلان می‌تواند این چالش را به فرصتی برای تقویت پیوندهای بین نسلی و ارتقا سواد فناورانه عمومی جامعه تبدیل کند.تا زمانی که جامعه الگوی روشنی برای استفاده متعادل از ابزارهای نوین تدوین نکرده هر خانواده به تنهایی و اغلب بدون راهنمایی تخصصی مجبور به تصمیم‌گیری آزمون و خطایی درباره مرز مجاز استفاده از هوش مصنوعی برای فرزندان خود است.